

عنوان مقاله:

تحلیل جامعه شناسانهٔ زمان دل کور اثر اسماعیل فصیح

محل انتشار:

مجله تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، دوره 12، شماره 43 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسندگان:

سامان خانی اسفند آباد - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

ماه نظری - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

خلاصه مقاله:

جامعه شناسی ادبیات، بررسی متون ادبی، از نگاه جامعه شناختی است که رابطهٔ بین ادبیات و عناصر اجتماعی را نشان می‌دهد. در واقع این نوع تحلیل به بررسی تأثیر متقابل ادبیات و جامعه بر همدیگر می‌پردازد. خوانش متفاوت اثر ادبی، فرآیندی است دو سویه بین نویسنده و خواننده. اهمیت آن از آنجایی است که سنت های ادبی در پی مطلق‌گرایی معنا هستند، نگاهی تک بعدی که انسان مُدرن، آن را بر نمی‌تابد و به نوعی خواننده را دچار بی میلی می‌کند. اما نقد بر پایهٔ جامعه شناسی به عنوان یک تحلیل جدید، باعث پیوند ذهن خواننده با ابعاد مختلف زیبایی شناسی متن می‌گردد. برای این منظور زمان دل کور اسماعیل فصیح که دوران مختلف پیرالتهاب تاریخ ایران از جمله سال های حکومت پهلوی و انقلاب مشروطه را در برمی‌گیرد، مورد نقد جامعه شناختی قرار گرفته تا ارتباط ادبیات با محیط و طبقات اجتماعی آن عصر را نشان دهد. در این پژوهش، ابتدا به تشریح نظریات نقد جامعه شناسی ادبیات و دسته بندی مؤلفه های جامعه شناسانه از دیدگاه گلدمن، لوکاچ، باختین و اسکارپیت پرداخته شده سپس این مؤلفه ها در بافت جامعهٔ مورد نظر نویسنده پیاده شدند تا بتوانیم نوع زندگی مردم، طبقات اجتماعی مختلف به خصوص قشر مستضعف و پایین جامعه، مشاغل آنها، جایگاه اجتماعی زنان و محرومیت هایشان، مباحث تاریخی، زیرساخت های اجتماعی، نبود بهداشت، شیوع بیماری ها و قحطی، استفاده از طب سنتی به جای درمان های به روز، آسیب های اجتماعی، فقر، فحشا، تجاوز، خشونت، رباخواری، اسیدپاشی، باورهای مذهبی، باورهای عامیانه، خرافات آن عصر و ... را بهتر درک کنیم. لازم به ذکر است این تحقیق به روش «توصیفی - تحلیلی» انجام پذیرفته است.

کلمات کلیدی:

زمان، نقد جامعه شناختی، دل کور، اسماعیل فصیح، لوسین گلدمن، جورج لوکاچ، میخائیل باختین، روبرت اسکارپیت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1148217>

